فهرست مطالب

[اشاره 1](#_Toc450430812)

[شرط موازنه ضرر با امر به معروف و نهی از منکر 1](#_Toc450430813)

[ادلّه معارض با ادلّه خاصه 2](#_Toc450430814)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه تربیتی / امر به معروف و نهی از منکر / شرائط امر و نهی/شرط انتفاء عدم حرج

# اشاره

بحث ما در اشتراط امربه‌معروف و نهی از منکر به عدم ضرر و حرج و مفسده بود، برای اثبات این شرط، به ادلّه‌ای تمسک شد، سه یا چهار دلیل از قواعد عامه بود، بعد پرداختیم به پنج یا شش روایتی که ملاحظه کردید.

تا اینجا، چه طبق قواعد عامه و چه روایات خاصه، ثابت شد که امربه‌معروف و نهی از منکر، درجایی وجوب دارد و تکلیف به آن هست که ضرر و حرج و مفسده بر آن مترتب نشود، و بعضی از آن روایاتی که ذکر کردیم، دلالت بر این می‌کردند، البته ادلّه عامه که اینجا بیشترین اهمیّت را دارند و حتی ادلّه خاصه، اگر هیچ معارضی نداشته باشند، به‌تناسب اهمیّت آن معروف و منکر، ضرر و حرج و مفسده را برمی‌دارد.

در جمع‌بندی به چند نکته باید توجه داشت:

1ـ ضرر و حرج و مفسده، سه عنوان حاکم و ثانوی بود که تکلیفی را برمی‌دارند، که در امربه‌معروف و نهی از منکر هم است.

2ـ در بحث امربه‌معروف و نهی از منکر، این عناوین، هم از ادلّه عامه و هم از ادلّه خاصه استفاده شد

3ـ سؤال: آیا مطلق ضرر و حرج و مفسده، مطلق وجوب امربه‌معروف و نهی از منکر را برمی‌دارد یا برنمی‌دارد؟ ممکن است:

## شرط موازنه ضرر با امر به معروف و نهی از منکر

1ـ احتمال اول را کسی بدهد، بگوید که هر نوع ضرری ولو یک ضرر خیلی کم، باعث می‌شود که امربه‌معروف و نهی از منکر را اگرچه هم مهم باشد، برمی‌دارد و یک شرطیت مطلقه را اینجا اثبات می‌کند.

2ـ امّا احتمال دوم این هست که؛ یک موازنه‌ای بین ضرر و حرج و مفسده با آن معروف و منکر باید رعایت بشود، از خود دلیل این موازنه، بعید نیست که عرفاً استفاده بشود، لذا این‌طور نیست که اگر منکر، منکر بسیار مهمی هست، با یک ضرر و حرج معمولی، بگوییم اینجا نهی از منکر برداشته شد و دیگر تکلیفی اینجا نیست.

نکته بعدی که به نحوی در بیانات قبلی بود، الآن هم در جمع‌بندی تصریح می‌کنیم، این بود که؛ همیشه این‌طور نیست که؛ امربه‌معروف و نهی از منکر، حتّی در آن حدی از ضرر و حرجی که رافع است، به‌طور مطلق بگوییم؛ برداشته شد، درجایی ممکن است از غیر عنوان امربه‌معروف و نهی از منکر، یک عناوین دیگری باشد که ما را مکلّف به اقدام بکند، لذا نکته بعدی این است که گاهی، همان‌جایی که ضرر و حرج و مفسده‌ای آمده و امربه‌معروف و نهی از منکر را، برداشته است، یعنی خطاب امربه‌معروف و نهی از منکر را رفع کرده است، در همان‌جا ممکن است یک خطاب دیگری داشته باشد که امربه‌معروف و نهی از منکر را اقدام کنید.

گفتیم امربه‌معروف مشروط به‌احتمال تأثیر است، اگر احتمال تأثیر نباشد، امربه‌معروف برداشته می‌شود، امّا این منافات ندارد با خطاب و تکلیف دیگری باشد که شخص را موظف بکند به اقدام، ولو اثر نکند، یا شخص را موظف به اقدام بکند، ولو یقین به ضرر دارد، منتهی از باب یک عناوین دیگری؛ غیر از امربه‌معروف و نهی منکر.

### ادلّه معارض با ادلّه خاصه

در مقابل ادلّه خاصه یک ادلّه معارضی هم وجود دارد، روایاتی که به‌عنوان معارض اینجا ذکرشده این است که؛

1ـ باب اول کتاب امربه‌معروف و نهی از منکر، باب وجوبهما و تحریم ترکهما، روایت ششم این است که؛

« وَ عَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ بِشْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عِصْمَةَ قَاضِي مَرْوَ عَنْ أَبِي‏ جَعْفَرٍ ع قَالَ» این روایت در باب دوم حدیث ششم هم است، و احتمال قوی هر دو آدرس، یک روایت باشد.

اگر طبق قاعده بگوییم؛ این در دو آدرسی که ذکر کردیم دو روایت است، یک روایت ابن اسمه از امام نقل می‌کند و در دیگری ابن اسمه عن جابر و جابر از امام علیه‌السلام نقل می‌کند و مشابه این‌طور روایات را داریم، مثل محمدبن مسلم و زراره، گاهی اوقات خودش نقل می‌کند که امام این‌طور فرموده است و گاهی از دوست خود نقل می‌کند بعد او می‌گوید که امام این‌چنین فرموده است.

سند هر دو روایت که ذکر کردیم به چند دلیل ضعیف است:

1ـ ابی اسمه قاضی مرو توثیق ندارد.

2ـ ارسال در روایت هست.

3ـ آقای بشر هم ظاهراً توثیقی ندارد.

متن روایت این هست «**يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَنْبُعُ فِيهِمْ قَوْمٌ مُرَاءُونَ يَنْفِرُونَ وَ يَنْسُكُونَ حُدَثَاءَ سُفَهَاءَ لَا يُوجِبُونَ أَمْراً بِمَعْرُوفٍ وَ لَا نَهْياً عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا إِذَا أَمِنُوا الضَّرَرَ يَطْلُبُونَ لِأَنْفُسِهِمُ الرُّخَصَ وَ الْمَعَاذِير**»[[1]](#footnote-1)، این روایت اوصاف آخر زمان را بیان می‌کند، سند این روایت ضعیف است، امّا مجموعه روایاتی که وضع آخر زمان را نقل می‌کنند؛ یک مجموعه قابل‌اعتنایی است، چند روایت قوی هم در بین این روایات داریم، فقه این روایات هم نیاز به یک بحث جامعی دارد، که باید همه روایات جمع بشود و تحلیل بشود که در جای خود بحث می‌شود.

روایت مذکور بیان این دارد که؛ گروهی در آخرالزمان پیدا می‌شوند که اهل ریا هستند و سَفَه دارند، این گروه امربه‌معروف و نهی از منکر نمی‌کنند، مگر این‌که صدر‌صد ایمن از ضرر باشند و همیشه دنبال راحتی هستند، «**يَطْلُبُونَ لِأَنْفُسِهِمُ الرُّخَصَ وَ الْمَعَاذِير**»، شاهد این روایت که در باب اول و باب دوم؛ حدیث ششم نقل‌شده، به‌عنوان اولین روایت از معارضات شرط آخر در امربه‌معروف و نهی از منکر، این هست که؛ یکی از دلیل‌های مذمت این افراد این است که؛ امربه‌معروف و نهی از منکر این افراد، فقط جایی هست که هیچ ضرری نباشد، اگر ضرر باشد امربه‌معروف و نهی از منکر نمی‌کنند.

قواعد عامه‌ای و روایات خاصه‌ای که مطرح شد؛ همه دلالت بر این داشت که؛ امربه‌معروف و نهی از منکر درجایی هست که؛ ضرری برای خودش و اقوام و اِخوانش ندارد، اما اگر احتمال ضرر می‌دهد، خوف از یک فتنه و ضرری است که متوجه او و خویشان او یا اصحاب او، بشود، امربه‌معروف و نهی از منکر لازم نیست و جایز است ترک امربه‌معروف و نهی از منکر، هر آنچه گروه اول می‌گفتند ترک آن جایز است، این روایت می‌گوید؛ جایز نیست، گویا این افرادی که در آخر زمان هستند، گویا یک واجبی را ترک می‌کنند.

روایت دیگر در باب اول روایت بیست و چهارم، «**أَيُّهَا النَّاسُ مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَمْ يُقَرِّبَا أَجَلًا وَ لَمْ يُبَاعِدَا رِزْقاً**»[[2]](#footnote-2)، این روایت می‌فرماید: امربه‌معروف و نهی از منکر بکنید و بدانید که امربه‌معروف و نهی از منکر، اجلی را نزدیک نمی‌کند و رزقی را از شما دور نمی‌کند.

این روایت معارض تلقی می‌شود به این بیان که؛ حضرت فرمودند: «**لَمْ يُقَرِّبَا أَجَلًا وَ لَمْ يُبَاعِدَا رِزْقاً**»، فرض این هست که؛ جایی است که ضرری وجود دارد، احتمال ضرر می‌دهد یا ضرر را نزدیک می‌بیند، امام علیه‌السلام می‌فرماید درواقع این‌طور نیست، امربه‌معروف و نهی از منکر، رزق شما را قطع نمی‌کند، خطری را برای زندگی شما ایجاد نمی‌کند، بکر بن محمد که راوی این حدیث است مورد وثوق نیست، تفسیر علی بن ابراهیم هم باید ازنظر سندی بحث شود، پدر علی بن ابراهیم هست که ما گفتیم؛ به سه یا چهار وجه قابل توثیق است و بعضی از وجوه را قبول داریم.

ازنظر دلالت، مدلول التزامی روایت موردتوجه است، وقتی روایت مطابقتاً می‌گوید: این‌طور است که؛ امربه‌معروف و نهی از منکر، أجل شما را نمی‌رساند، رزق شما را هم قطع نمی‌کند، مدلول التزامی این روایت حسب ظاهر این هست که؛ یک خطری متوجه می‌شود، امام می‌فرمایند: اقدام بکنید و از آن خطر نترس.

دو احتمال در این روایت است:

1ـ احتمال اول این است که؛ ممکن است کسی بگوید که؛ این روایت فقط بیان یک امر را واقع می‌کند، تشریعی در آن نیست، می‌گوید: در عالم واقع این‌طور است که؛ کسی به خاطر امربه‌معروف و نهی از منکر، روزیش قطع نمی‌شود، اجلش نمی‌رسد. اگر این احتمال باشد، روایت به بحث ما ربطی ندارد، یک گزاره توصیفی است و فقط اخبار عن الواقع هست.

2ـ احتمال دوم این هست که؛ این توصیف از واقع است ولی توصیف از واقع در یک مدلول التزامی حکمی یا ترغیبی دارد، می‌خواهد بگوید که؛ امربه‌معروف و نهی از منکر را به خاطر این خوف و ضرر ترک نکن، این احتمال دوم با بحث ما ربط پیدا می‌کند.

بنابراین باید بدانیم این روایت یک اخبار محض است یا اینکه اخباری است که؛ مستلزم یک انشاء است، ظاهراً همین احتمال دوم است، یعنی به خاطر اینکه ترغیب به امربه‌معروف و نهی از منکر بکند، می گوید؛ نه اجل شما می‌رسد و نه رزقی از شما قطع می‌شود، اگر این انشاء باشد، معنایش این است که؛ در حال ضرر هم ترک نکنید یا لااقل آنجایی که احتمال ضرر می‌دهید، امربه‌معروف و نهی از منکر را ترک نکنید.

بین این دو احتمال، اظهر احتمال دوم است که این یک مدلول التزامی تشریعی و حکمی هم دارد، بعدازاینکه احتمال دوم را پذیرفتیم.

احتمال دوم، دو قسم دارد:

1ـ روایت می‌گوید: اقدام بکنید، چه یقین به ضرری دارید یا احتمال ضرر می‌دهید.

2ـ اقدام بکنید درجایی که احتمال ضرر می‌دهید، درجایی که یقین دارد که اگر امربه‌معروف و نهی از منکر بکنید، کشته می‌شوید، بعید هست که این روایت ناظر به این شود، این روایت می‌گوید: آنجایی که نمی‌دانید که ضرری متوجه شما هست یا نه، امربه‌معروف و نهی از منکر بکنید و نترسید.

دلالت جمله خبریه بر آن انشاء چند رتبه دارد:

1ـ دلالتش التزامی است؛ یعنی لزوم بیّن به معنای خاص.

2ـ لزوم بیّن به معنای عام.

3ـ لزوم غیر بیّن، به‌جایی می‌رسد که می‌گویند: مدلول؛ مقصود در این خطاب نیست ولی عقل می‌گوید؛ حتماً آن‌هم هست.

بالاترین دلالت این هست که بگوییم: جمله ریخته شده تا آن انشاء را بگوید، می‌گوید: ضرر مانع تکلیف شما نیست، این جمله کاملاً انشائی است.

2ـ بگوییم این جمله واقعاً اخبار است، کنایه نیست، ولی لزوم بیّن دارد به آن انشاء.

3ـ بیّن به معنای عام هست.

4ـ غیر بیّن هست، در این بیّن به‌نوعی از دلالاتی می‌رسد که می‌گویند؛ خود بیان ناظر بر آن نیست، مقصود متکلم هم ممکن است نباشد، ولی وقتی عقل این‌ها را محاسبه می‌کند، می‌گوید آن نتیجه‌اش این هست.

بعضی جاها هست که هیچ قصدی هم برحسب موازین عرفی نیست ولی واقعاً دلالت هست و حجیّت هم دارد، منتهی در مبادی مثل: خداوند و ائمه؛ بگوییم قصد نیست، مباحث کلامی دارد.

1. - وسائل الشيعة، ج‏16، ص: 129. [↑](#footnote-ref-1)
2. - وسائل الشيعة، ج‏16، ص: 125. [↑](#footnote-ref-2)